

محمد کلین

روزنامه نگاری دهخدا و روزنامه روح القدس

یکی از جهات مثبت و بارز روحیه میرزا علی اکبرخان دهخدا در زندگی پر تلاطم دوران روزنامه نگاری مسئله هوشیاری و وقت شناسی اوست. آنچه کار دهخدا را در کار روزنامه نگاری از کار روزنامه نگاران دیگر هم عصر او متمایز می کند این است که دهخدا عالم به شیوه روزنامه نگاری خویش است. از همین روست که او هیچگاه در فراخور حال امیر و وزیر قلم بر کاغذ نمی نهد و راه مردم را برمی گزیند. دهخدا جهد می کند که افکار عامه بخصوص طبقه عوام را با روزنامه آشنا کند و بهترین راه را در این روند انتخاب زبان خود مردم می داند. از این رو عنوان ساده "دخو" را برمی گزیند و نوشته های خود را زیر عنوان "چرند پرند" عرضه می کند. چرا که میدانند هر پیرمرد و پیرزن دهاتی چه برسد به شهری با این کلمات آشنا است و بدنبال آن می رود. اگر ما بخواهیم شیوه کار روزنامه نگاری دهخدا را بخصوص شیوه راه مردمی او را در این نوشته بررسی کنیم از حوصله این مختصر بیرون است.

آنگاه میتوان به ارزش واقعی کار دهخدا در این راه پی برد که ما بطور دقیق و بی نظر (اگر شده به اختصار) بدوران روزنامه نگاری ایران قبل از دهخدا یعنی از زمان محمدشاه از هنگام انتشار نخستین روزنامه فارسی "کاغذ اخبار" یا "اخبار وقایع" میرزا صالح شیرازی از ۱۲۵۲ هجری قمری تا انتشار روزنامه "ارزشمند" صو اسرافیل" ۱۳۲۵ هجری قمری

قال تزله

دیگران م بکنند آنچه میخا میگرد

فیس روح القدس از باز مدد فرماید

فلسفی

قیمت اشتراك سالانه
 طهران ۱۲ قران
 ولایات داخله ۱۷ قران
 روسیه ۵ منات
 سایر ممالک خارجه
 ۱۰ فرانك
 قیمت اعلامات

مدرک مل
 کتاب
 شماره
 تاریخ
 شماره
 شماره
 شماره
 شماره

قیمت اشتراك... بد از سه نفر در دریافت میشود

رئیس مجاهدین بدسته از همسگان محترم
 (زون ترك) و دوسته از مجاهدین عبور بدسته
 آخری مقیم دسته اولی در تحت ریاست اسماعیل
 افندی (دسته دومی در تحت ریاست (حطینی
 افندی) دسته سیمی بریاست (یعقوب افندی)
 فرمانده لگجتاب و جلیل افندی) مقیم
 سه ساعت بصبح مانده از سد آباد حرکت کرده میباشد
 از رود (قطور) عبور نموده خورد مان را
 بالای قره حاجیه رود ریاستیم آفرین ببلدیجان
 پنجاه نفر میباشد چنان بقره راستینند که قدم مانده
 بود از اولان دشمن را زنده بگیریم یکدفعه صدای
 کیستی از اردوی خصم بلند شده
 ما بنجام طردفتن ما گلوله های آتشین میدانگونی
 کردیم اول دهنه چهارم از اولان افتادند منقلی
 که در زیر درختانی بود بدست آورده دیگر بدخمن
 امان ندادیم حققت محزون برای قران بود در
 (حکتبه رود) گروه بزرگی است صد تنه
 سواره باخدا الحسین خان سلطان فرح دادگار و محمد
 صادق خان سرهنك . امان الله خان سرهنك و یافا
 خان یازده مرد و خان سلطان . باسواران سلمان
 شاهسون بریاست جناب امیر کا حفنا ایجا تبیین
 گشت و صد نفر سوار سلمان با اسماعیل حن سرب

سگوب از اردوی حریت خواهد بود آباد مروی
 که چهارده نفر است بل جماعت از دسته گذشته خیر
 رسد دسته از سواران دشمن به طرف قره
 (عثمان) هجوم آورده ابتداء حمله پوش از جناب
 ابراهیم یک رئیس مجاهدین و سواران ببرد و غرانی
 مجاهدین عبور شهیدی ولی (تیمور باشد)
 بدخمن حمله نموده دلبرایه و مردانه جلو خصم را
 گرفته چند تیری در میانین مسادله گردید استبداد
 فان را در مقابل این دو نفر جوانان دینار باب نماند
 رو بفرار نهادند تواری و اولی شاهزاده چهارمگیر میرزا
 با چند نفر با بمباد مجاهدین عزیزت نموده تار سیندن
 انها مجاهدین اولی يك فرسنگ دشمن را تمام نمودند
 از توجه حضرت حجة عصر عجل الله فرجه دل
 مجاهدین چنان قوی شده که دو نفر مقابل صد نفر
 امروزه بقره بقیب بقیب تیبیب دشمن عبور
 سلوم نیست با دستا بستن با دستا بستن با دستا بستن
 زنده باد طرفداران حریت و انسانیت که در باد استبداد
 برستان (فرمان اید می محمد زاده ایران)
 و ایضا کتاب از اردوی ما من صد اباد
 بیاد ما تال اهل آبادان ما تال
 حلاوت بآزادی بخش (۱۶ ماه) بی بی حاتم
 از خست چوار سق حکتبه با بصورت جناب ابراهیم

به روزنامه‌هایی که در ایران انتشار یافته نگاه کنیم آنگاه متوجه می‌شویم که انتشار روزنامه‌صویرسرافیل چه راهی را در زمینه روزنامه‌نگاری در ایران باز کرده است.

بجاست که ما برای ارزش کار دهخدا و شناخت راه او به روزنامه‌هایی که در ایران از اواخر عهد محمدشاه و درگذشت او و انتشار وقایع اتفاقیه و روزنامه‌هایی که در روزگار ناصرالدین شاه قاجار مانند ایران اعتمادالسلطنه، روزنامه "علمی" (نشریه افکار محصلین دارالفنون)، روزنامه دولتی، روزنامه ملتی، روزنامه شرف، روزنامه اردوی همایون، روزنامه اطلاع، روزنامه تربیت، روزنامه حبل‌المتین کلکته (سنگی)، روزنامه پرورش قاهره، روزنامه ثریا قاهره و روزنامه ادب (چاپ سنگی مشهد) به مدیریت ادیب‌الممالک شاعر معروف و غیره و همچنین روزنامه‌های عهد مظفری، مانند ایران، شرافت و غیره نگاه کنیم درمی‌یابیم که دهخدا نخستین روزنامه‌نگاری است که شیوه او شیوه‌ای است که به‌منظور بیداری دولت‌مطلبت بکار رفته است. آنچه مسلم است همه روزنامه‌هایی که نامی از آنها به‌میان آمده (علاوه بر روزنامه قانون ملکم چاپ لندن که آن ارزش کلی جداگانه‌ای دارد) به‌جای خود خصوصیات دارند که نمی‌توان در این مختصر به هر یک از آنها پرداخت. بخصوص اغلب آن روزنامه‌ها بصورت آبرومندی انتشار یافته‌اند و آنچه در انتشار این روزنامه‌ها ارزش چشم‌گیر و در خورتوجه دارد نفاست خط و چاپ آنها است که این روزنامه‌ها را در ردیف کارهای ظریف دستی به‌شمار می‌آورد. و الا از نظر مطالب کمتر روزنامه‌ای می‌توان یافت که بتواند راه ملت و دولت را بنماید و فکری در آنها بکار رفته باشد و نیز بیانگر نیاز زمان باشد. برای اینکه خوانندگان را با محتوای برخی از آن روزنامه‌ها آگاه کرده باشیم چند سطری از چند روزنامه آن عهد را در زیر می‌آوریم.

"دارالخلافة" تهران، روز چهارشنبه دویم این ماه یکساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته تحویل آفتاب از حوت به حمل گردیده عید نوروز سلطانی و ابتدای سال خیریت مآل توشقان ثل شد سرکار اعلیحضرت

قوی شوکت پادشاهی در کلاه‌فرنگی عمارت باغ که علما و خواص برای مجلس تحویل حاضر شده بودند به قاعده ۶ مستمره بار سلام دادند. جناب جلالت‌مآب اشرف امجد اکرم صدراعظم افخم و سایر امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردون بسطت سنیه و صاحب‌منصبان نظام و خوانین عظام هریک در مرتبه و مقام خود شرفیاب حضور مهر ظهور خسروانی گردیده از دست مبارک شاهی اشرفی عیدی دریافت نمودند و سلام تحویل منقضی شده مقرر گردید که فردای آن روز در دیوانخانه ۶ بزرگ بار سلام عام بدهند. بنا علی هذا در روز پنجشنبه که روز دوم عید نوروز بود بغیروزی و خرمنی تخت مرمر دیوانخانه ۶ بزرگ را بوجود فایض الجود زینت بخشا کرده انعقاد سلام عام فرمودند و بقدر گنجایش دیوانخانه ۶ مبارکه از چاکران دربار همایون و اهل نظام و غیره سرتاسر صف کشیده بزیارت وجود همایون میاهی شدند" (۱)

این بود قسمتی از سرمقاله ۶ روزنامه ۶ وقایع اتفاقیه. اینک چند سطر از روزنامه ۶ دیگری را در زیر مطالعه می‌فرمائید: "تعالی مهر مثال اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه ایران و ملک‌الملوک ایرانیان افتخار سلاطین قاجار پادشاهان کیانی را بهترین یادگار السلطان محمدعلی‌شاه خلدالله ملکه و سلطنه است که در تأسیس مشروطیت ایران کمال جد و جهد و مساعدت را فرمود. اگر اعلیحضرتش را ناپلئون فرانسه و میکادوی ژاپون بشمار گیریم به غلط نرفته‌ایم." (۲)

این نیز چند سطر دیگری بود از روزنامه ۶ آئینه غیب‌نما" که از سرمقاله ۶ نخستین شماره ۶ این روزنامه در بالا نقل کردیم و متذکر می‌شویم که این روال تقریباً در بسیاری از روزنامه‌های یادشده تکرار شده است. از این روزنامه‌ها که بگذریم باز برای روشن شدن این مطلب به دور روزنامه ۶ مهم روزگار ناصری و مظفری "شرف" و "شرافت" که قریب ۲۰ سال از ۱۳۰۰-۱۳۲۱ هجری قمری در ۷۷ شماره و ۶۶ شماره کلا" ۱۴۳ شماره انتشار یافته‌اند و مجموعه ۶ این ۱۴۳ شماره ۶ روزنامه دربر گیرنده ۶ شرح احوال رجال ناصری و مظفری است که تعدادی از این شرح احوال که در

شرافت هم تکرار شده است.

آنچه در این دو روزنامه‌ها ارزش کلی دارد این است که آثار نقاشی قلمی دارزنده چند نقاش آن روزگار را دربر گرفته و این روزنامه‌ها را به این سبب ماندگار کرده است. والا اگر شما بخواهید در باره چگونگی زندگی ملت ایران و اینکه در آن روزگار چه می‌گذشته و ایران در چه حالی بوده است خدا نکند که شما بتوانید مطلبی پیدا کنید.

اما همانطوریکه قبلاً اشاره کردم این روزنامه‌ها هر یک به جای خود خصوصیات دارند. مثلاً "در آن روزگار" روزنامه علمیّه دولت علیّه ایران، به سه زبان فارسی و عربی و فرانسه انتشار می‌یافته که این خود در آن روزگار خیلی ارزنده است. در روزنامه‌های یادشده خارج از کشور گاهگاهی برخی از مطالب آنان در زمینه آزاد اندیشی و آزادی‌خواهی دور میزند که بررسی هر یک از آنها باز از حوصله این مختصر بیرون است.

حال ببینیم دهخدا چگونه روزنامه‌نگار شد.

روزی که میرزا قاسم خان صور و میرزا جهانگیرخان شیرازی دست به انتشار روزنامه صور اسرافیل می‌زنند دنبال دبیری میگردند که روزنامه آنها را بنویسد. سیدحسن تقی‌زاده می‌نویسد:

"در اوایل سال ۱۳۲۵ مرحوم میرزا قاسم خان تبریزی (که بعدها صور اسرافیل شد) که در دستگاه مظفرالدین‌شاه در جزو اداره امین‌حضور بود چون در حوزه مشروطه‌طلبان درآمده بود به خیال تأسیس یک روزنامه با سرمایه خود برآمد. مشارالیه که اینجانب او را از ایام صبی می‌شناختم و همدرس بودیم روزی پیش من آمد و اظهار میل به نشر روزنامه نموده با من مشورت کرد و گفت یک جوانی هست که چیزنویس است. ولی نمیدانم نویسندگی او تا چه اندازه است و میخواهم بدهم چیزی بطور نمونه بنویسد و به شما نشان بدهم و اگر پسندیدید خود او را پیش شما بیاورم تا ببینید و گفت خیال دارم که اگر مطابق مطلوب شد ماهی چهل تومان به او بدهم که از کار فعلی خود صرف‌نظر نموده به اداره روزنامه بیاید.

من پس از دیدن نمونه^۶ تحریر خیلی پسندیدم و میرزا قاسم خان را که به معیت مرحوم میرزا جهانگیرخان شیرازی عازم نشر روزنامه بود به استخدام میرزا علی اکبرخان تشویق نمودم و بدین ترتیب روزنامه^۶ صوراسرافیل بمدیریت صاحب امتیازی مرحوم میرزا جهانگیرخان و مدیریت مشترک میرزا قاسم خان و منشی گری میرزا علی اکبرخان انتشار یافت". (۳)

با نوشته^۶ بالا معلوم میشود که میرزا علی اکبرخان دهخدا به چه صورت به سلک روزنامه نگاران درمی آید. قلم زدن و دید دهخدا سبب میشود که روزنامه^۶ صوراسرافیل در میان روزنامه های مبارز آن روزگار چهره و راهی مشخص پیدا می کند. والا قلم و نظر خود میرزا جهانگیرخان آن قدرت و توانایی را نداشته که با زبان طنز بیانگر تمام حقایق باشد و مفسد و معایب آن روزگار دربار و دولت را به ملت ستم کشیده^۶ ایران بفهماند. شاید میرزا قاسم خان که دست به انتشار روزنامه زده بیشتر نظر او تجارت بوده تا آزادی خواهی و روزنامه نگاری. زیرا از روزگار بعدی او می توان شناخت که این سه تن که دوش به دوش روزنامه^۶ صور اسرافیل را راه برده اند از چه قماش بوده اند. میرزا علی اکبرخان دهخدا هنگامی که مدیریت صوراسرافیل را داشت با روزنامه های دیگری چون مساوات و روح القدس و غیره همکاری میکرد و برخی از مقالات آنها را بهی نام می نوشت. در کشاکش مشروطه و به توپ بستن مجلس و دستگیر شدن میرزا جهانگیرخان بدست دژخیمان محمدعلی شاه میرزا علی اکبرخان دهخدا بناچار در سفارت انگلیس تحصن اختیار کرده تا اینکه به همراه تقی زاده و تنی چند از راه رشت و بندر انزلی به ایالت قفقاز و باکو رفت و از آنجا عازم سویس شد و باز به نشر روزنامه صوراسرافیل پرداخت.

* * *

آنچه در نوشته^۶ حاضر مورد نظر ماست انتشار یک شماره یادو شماره^۶ دو صفحه ای روزنامه^۶ روح القدس است که به مدیریت میرزا علی اکبر قزوینی انتشار یافته است و تاکنون جایی مطلبی از این روزنامه نقل و درج نشده است.

روان شاد صدر هاشمی در کتاب ارزنده خود "تاریخ جراید و مجلات ایران" پس از معرفی روزنامه روح القدس که مدیرکلی آن را "سلطان العلماء" خراسانی نخستین شهید روزنامه نگاری ایران عهده دار بوده به معرفی روزنامه "روح القدس" که مدیریت آن را میرزا علی اکبرخان دهخدا به عهده داشته و منتشر کرده پرداخته است. صدرهاشمی در مورد نشر روح القدس نوشته است: روزنامه روح القدس "در سویس به مدیری (میرزا علی اکبرخان دهخدا) تأسیس و منتشر شده است. پس از انقلاب جمای الاولی ۱۳۲۶ قمری و فرار آزادی خواهان به خارج ایران منجمه از این فراریان آقای دهخدا بود که سابقاً" در جراید "صور اسرافیل مقالاتی تحت عنوان "چرند بپرند" منتشر میساخت و به علاوه دبیری روزنامه روح القدس (تهران) به عهده او بود. آقای دهخدا پس از رسیدن بکشور سویس دو شماره روزنامه روح القدس را آنجا منتشر نمود". (۴)

قلمزن این سطور مدتی در مورد روزنامه نگاری دهخدا تفحص می کرد. پس از مطالعه نوشته بالا که صدر هاشمی در مورد "روح القدس" دهخدا نوشته درصدد برآمدم که این روزنامه را به هر طریقی شده بدست آورم. از هر که گمان اطلاعی از این روزنامه داشتم سؤال می کردم تا اینکه روزی فاضل یا همت و بزرگواری که قریب سی سال است در باره تاریخ جراید ایران زحمات دامنه داری را متحمل شد مرا از وجود این روزنامه آگاه ساخت و با مبادله چند شماره روزنامه این شماره روح القدس را در اختیارم گذاشت. آن دوست بزرگوار که شاید راضی نباشد نامی از او در اینجا به میان آید در مورد به دست آوردن این روزنامه چنین اظهار داشت. (۵)

"قریب ۱۰-۱۵ سال پیش در اروپا مشغول فراهم کردن مواد تاریخ جراید ایران بودم و سعی داشتم روزنامه ها و مجلاتی را که ایرانیان در سالهای مختلف در کشورهای آسیائی و اروپائی منتشر کرده اند بدست بیاورم. باشد که در حد امکان تاریخ جراید ایران را بطور کامل در اختیار دوستداران ایران بگذارم. روزی در آلمان با یکی از محققان آلمانی که

او نیز در باره مطبوعات فارسی در اروپا اطلاعاتی داشت صحبت از دهخدا و شیوه روزنامه‌نگاری او بمیان آمد. گفت من یک شماره از روزنامه روح القدس را که دهخدا در تغلیس منتشر کرده در اختیار دارم و اگر شما این روزنامه را ندارید بصورت مبادله می‌توانم در اختیار شما بگذارم. من که سرناپا اشتیاق بودم پیشنهاد او را پذیرفتم. اما پیشنهاد مشکلی بود. کتابی در انگلستان به چاپ رسیده بود که فروش و ورود آن در آلمان خالی از اشکال نبود و آن محقق بیمناک بود که خود کتاب را از انگلستان به آلمان بیاورد. من قبول کردم که کتاب مورد نظر را از انگلستان خریداری کرده به او تحویل دهم و نسخه روح القدس را دریافت دارم. من پس از مدتی توقف در آلمان به انگلستان رفتم و پس از اینکه کارم در بریتانیا به پایان رسید کتاب مورد نظر را که آن استاد نشانی داده بود که در اختیار چه کتاب فروشی است خریداری کرده به آلمان بردم و به او تحویل داده اصل نسخه روح القدس را دریافت کردم.

برای من این نکته در پرده ابهام بود که دهخدا مدتی را که در بادکوبه و تغلیس توقف داشته اگر این روزنامه در بادکوبه یا تغلیس به چاپ رسیده بود نسخه بیشتری از آن در اختیار بود تا اینکه در فرانسه یا سویس به چاپ رسیده باشد. اخیراً مکاتیبی را که آقای ایرج افشار از معاضد السلطنه پیرنیا و علامه دهخدا و یاران دیگر او در مجله نگین منتشر کرده این نکته را بطور یقین روشن می‌کند که نظر آن محقق آلمانی خلاف واقع و نظر صدر هاشمی مقرون به حقیقت است. چرا که در اسناد منتشره در نگین توسط آقای ایرج افشار مسلم می‌دارد که این شماره روزنامه صوراسرافیل در فرانسه یا سویس منتشر کرده است.

آقای افشار ضمن بررسی فعالیت دهخدا در سویس، نامه‌ها و اسنادی منتشر کرده که کمک بسیاری به شناخت روحیه و مسلک روزنامه‌نگاری میرزا علی اکبرخان دهخدا می‌کند. میرزا علی اکبرخان دهخدا پس از ورود به پاریس روانه ابوردون - سویس میشود و در تاریخ غره محرم الحرام ۱۳۲۷ هجری قمری مطابق ۲۳ ژانویه ۱۹۰۹ مسیحی اولین شماره روزنامه صور-

اسرافیل چاپ پاریس را منتشر می‌کند. آنچه مسلم است از تاریخ یاد شده تا ۱۵ صفر ۱۳۲۷ هجری قمری دهخدا سه شماره روزنامه صوراسرافیل را که هر شماره در ۸ صفحه تدوین گردیده منتشر کرده است و بنا به اشاره آقای افشار و مکاتیب یاد شده پیداست که مواد و مطالب شماره ۴ را نیز فراهم کرده بودند که به چاپ رسانند و ظاهراً در اثر مشکلاتی که فراهم شده موفق به چاپ و انتشار آن نشده‌اند.

یکشماره روح‌القدس که گراور آن در اینجا آمده و مقصود ما معرفی و نشر این شماره می‌باشد از تاریخی که در پایان صفحه دوم دارد (۲۴ صفر ۱۳۲۷ هجری) معلوم است که این شماره روح‌القدس درست ۹ روز پس از انتشار سومین شماره صوراسرافیل انتشار یافته است.

آنچه در سرلوحه این شماره روح‌القدس آمده است درست سرلوحه اولین شماره روزنامه روح‌القدس تهران است که در تاریخ دوشنبه ۲۵ شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۲۵ هجری در تهران انتشار یافته. ظاهراً شماره اول دوره اول روح‌القدس تهران در اختیار دهخدا بوده که از گراور اولین شماره استفاده کرده و تنها تغییری که در سرلوح شماره اول دوره دوم داده شده این است که در جایی که نوشته شده "اداره و محل توزیع کتابخانه شرافت". این عنوان حذف شده و نوشته شده: "دبیر و نگارنده میرزا علی‌اکبرخان قزوینی" آنچه در پیش ذکر شد که دهخدا از اولین شماره روح‌القدس استفاده کرده به این سبب است که روزنامه روح‌القدس تهران تماماً ۲۸ شماره از ۲۵ شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۲۵ تا ۹۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۶ یکسال چند روز کمتر در تهران انتشار یافته و گراور اولین شماره درست گراور همین شماره است که ملاحظه می‌فرمائید.

در شماره دوم روح‌القدس (دوره اول) که در تاریخ چهارم رجب ۱۳۲۵ هجری انتشار یافته تصویر دو فرشته در بالای عنوان روزنامه در سمت راست و چپ عنوان روح‌القدس آمده است. همچنین در شماره‌های دیگر تغییرات دیگری داده‌اند مانند اضافه شدن شیروخورشید در بالای گراور و غیره. اندازه شماره اول دوره دوم درست به اندازه همان ۲۸

شماره چاپ تهران است .

اینک عکس این شماره را که در دو صفحه انتشار یافته در زیر از نظر می گذرانیم و یادآور میشویم که ظاهراً "دهخدا این شماره روح القدس و شماره دوم را که هنوز در اختیار ما نیست بدنبال روزنامه صوراسرافیل در پاریس به چاپ رسانیده و چون مشکلات برای صور اسرافیل پیش آمده عنوان را تغییر داده است .

آنچه در چاپ روح القدس و صوراسرافیل چشم گیر است حروفی است که هر دو روزنامه با آن چاپ شده که در ظاهر چنین بنظر می آید که دو حروف یکجا نباشد .

امید است در تحقیقات آینده نامه ای و سندی بدست آید که کمکی به روشن شدن چگونگی نشر و محل نشر این روزنامه بنماید .

زیرنویسها

۱ - روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه سیم ماه رجب المرجب مطابق سال توشقان ثیل ۱۲۷۱ (خورشیدی)

۲ - "آئینه غیب نما" سال اول شماره اول ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری .

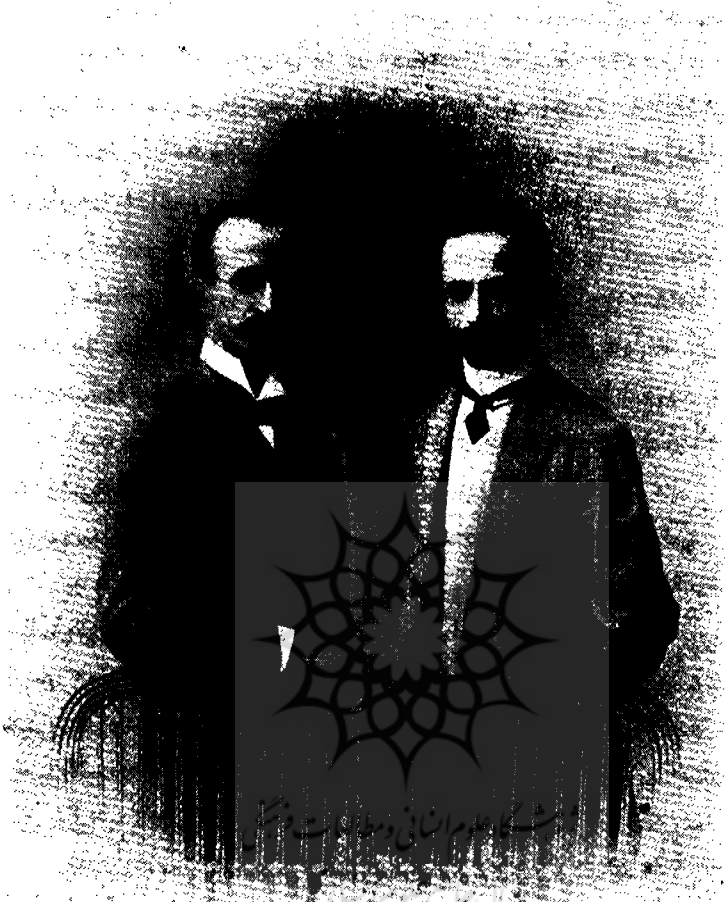
۳ - مقدمه لغت نامه ص ۳۹۵ .

۴ - "تاریخ جراید و مجلات ایران" جلد دوم ص ۳۱۶ .

۵ - ایشان شبهانی است که در راه شناخت و تاریخ جراید قدیم ایران از متخصصان است . محمود نفیسی هم در همین راه خدمات زیاد انجام داده است . (آینده)

آینده - اطلاعی که آقای گلبن داده اند مفیدست، اما باید استدلال

کرد چرا دهخدا درین روزنامه خود را علی اکبر قزوینی خوانده در حالی که در روزنامه سروش نام خود را علی اکبر دهخدا آورده است . در سبک تحریر مقاله مندرج در روح القدس هم با نوشته های دهخدا تفاوتی محسوس است . البته نوع حروف روزنامه یکی است ولی ممکن است که از همان حروف در بلاد دیگر هم موجود بوده است و بالاخره میرزا علی اکبر قزوینی دیگری نویسنده روح القدس .



این عکس در سال ۱۹۶۰ میلادی در استانبول انداخته شد

علی اکبر دهخدا - حسین دانش اصفهانی